

بررسی پرونده جراح دیپلمه توسط «کارآگاه درک»

پزشک قلبی



کارتون: محمدعلی رحیمی

باخبر شدم فردی که

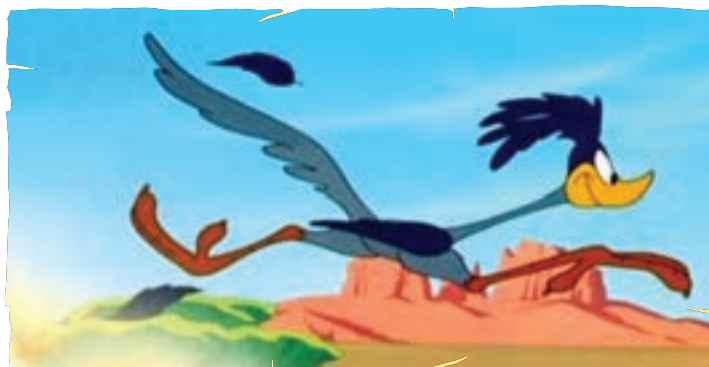
سیزده سال بامدرک دیپلم
در تهران جراحی پلاستیک
انجام می داد. دستگیر شد.
به عنوان به کار آگاه کارگشته،
تصمیم گرفتم به طور ویژه به
این پرونده رسیدگی کنم.

گویا این آقا که خودش مدعیه
فوق دیپلم داره (بررسی کردم و متوجه
شدم فوقش دیپلم داشته باشه)
سال ها توی بالاشهر تهران مشتریای
پول دار رو جراحی می کرده. به بار هم
قبلا به خاطر خطای پزشکی بازداشت
شده و بعد آزاد شده. خب خطای
پزشکی هم جزئی از پزشکیه. شاید
هوای سرتنگ بوتاکس رو خالی نکرده
بوده و به مشتری احساس نفخ دست
داده که معترض شده و شکایت کرده.
نکته مهم توی پرونده اینه که دکتر
قلابی برای فرار از دستگیری، خودش
رو به مردن زده و حتی کفن شده بوده،
ولی مجش رو می گیرن. البته خودش
مدعیه که حواسش نبوده و می خواد
از کسی که بی اجازه اون رو شسته و
کفن پیچ کرده، شکایت کنه.

طبق بررسی های میدانی، متوجه
شدم متهم کارش رو توی کلینیکای
معتبر انجام می داده. عجیب اینکه
نه مدیرای کلینیک و نه مشتری از او
مدرک تحصیلی نمی خواستن. شاید
هم می خواستن و اون هربار می گفته:
«اوخ! یادم رفت از خونه بیارم... فردا
حتما می آرشم...» یا «ای بابا... چایی
ریخته روش. خراب شده. هنوز وقت
نکردم برم المثنی بگیرم...» یا «براتون
متأسفم که این قدر مدرک گراشیدین...
به حرف من اعتماد ندارین؟ باشه، از
فردا دیگه نمی آم برای عمل... می رم
به کلینیک دیگه که قدم رو بدونن!»
یا «راستش هنوز به چک شهریه

دارم؛ اول اینکه شاید اون برای مدتی واقعا مرده بوده.
یعنی وقتی ماشین پلیس رو پشت پنجره مطبش دیده،
درجا سکنه کرده، ولی بعد از انجام مراحل غسل و کفن،
شوکه به قلبش وارد شده و دوباره زنده شده. یا شاید
طرف توی عالم دیگه ای بوده و اطرافیش فکر کردن
مرده. یا حتی ممکنه تکنیسین اورژانس و پزشک قانونی
که براش جواز دفن صادر کردن هم مثل خودش دیپلم
داشتن و نتونستن فرق بین میت و زنده رو تشخیص
بدن. به هر حال تا چند روز دیگه بررسی و مذاقه نهایی
رو به عمل آورده و بعد نتیجه غایی رو خدمتون خواهم
گفت.

دانشگاهم رو پاس نکردم، اونا هم مدرکم رو نمی دن.
داری «اتومن بدی که برم مدرکم رو آزاد کنم؟» یا «هنوز
دو واحد تنظیم خانواده رو نگذرونم. مدرکم مونده...»
یا «ای بابا الان کی دنبال مدرکه؟ مهم تجربه ست...
چشمات رو ببند که تزریق کنم...» یا این حال کسی
که تونسته سیزده سال بدون یک فوتی یا نقص عضو
و فقط با یک شکایت کارش رو انجام بده، بی شک از
بعضی پزشکا و متخصصای واقعی ماهرتره و باید قدر
این پزشکی تجربی رو دونست.
اما نکته مهم دیگه توی این پرونده، چگونگی تفسیل و
تدفین به آدم زنده بوده، برای این موضوع چند فرضیه



بیب هم پشت سرشون بگن. من
به این جوونای میگ میگ پیشهاد
می کنم هم خودشون رودوست داشته
باشن و هم شهروندا شون وسیع کنن
میگ میگ دوپا باشن، نه میگ میگ
چارچرخ! این طوری می تونن قهرمان
دوومیدانی جهان هم بشن و مدال
طلا کسب کنن تا همه با افتخار
به میگ میگ بودن اونا افتخار و چار تا
دعا هم پشت سرشون حواله کنن!

که نبوده. پس این مورد هم برای افراد
میگ میگ ماشین سوار صادق نیست.
من فکر می کنم خود این جوونای
غیور هم نمی دونن چرا میگ میگ
می شن و چشم بسته از این موجود
دوست داشتنی الگوبرداری می کنن.
ولی با توجه به دو مورد گفته شده
در بالا، الگوبرداری از میگ میگ
باعث می شه این جوونا بین مردم
دوست داشتنی نباشن و حتی چار تا